

مولفه‌های مواجهه هوشمند با پروژه‌های عملیات روانی در ماه‌های آخر فشار حداکثری

# واقع‌بینی، صداقت و برخورد متناسب با خاطی

یا در ماجرای آبادان آن خانم تعرض کرده و واکنش‌ها به او طبیعی است و دیگر توجیهاتی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی و از زبان برخی فعالان سیاسی اجتماعی می‌شنویم همگی اشتباهات فاحشی است که ابعاد قصور رخ داده را دوجندان می‌کند و حتی موجب تسری و سایه انداختن این رفتار خطا بر دیگر بخش‌های حاکمیت هم می‌شود. بی‌ارزش دانستن جان یک انسان حتی اگر یک متعاند مجرم باشد، از آن دست رفتارهای غیرشرعی و غیرعقلانی است که به‌سرعت واکنش‌های عمومی را برمی‌انگیزد و البته به‌صورت حداکثری باعث سوءاستفاده دشمن می‌شود. باید گفت این دست رفتارها خود بزرگ‌ترین مانع برای اصلاح عملکرد دستگاه‌هایی است که توجه کافی به فرصت‌طلبی دشمن ندارند نمی‌دانند که اساساً آموزش نیروهای میدانی و توجیه آنها برای جلوگیری از هرگونه خطا و اشتباه که باعث سلب حقوقی از مردم یا حتی مجرمان و متهمان می‌شود، چقدر مهم است و چگونه می‌تواند موجبات آرامش و رضایتمندی مردم را فراهم آورد و علاوه بر همه اینها مانع فرصت‌طلبی و دشمنی شود.

## تنها راه‌حل: صداقت، عذرخواهی و برخورد با خاطیان

این ماجرا البته یک نکته تکمیلی هم دارد؛ اینکه نباید در چنین شرایطی به‌گونه‌ای با کلیت و سازمان پلیس و نیروی انتظامی برخورد شود که تبغ عدالت و تأمین امنیت آنها کند شود و روزی اگر آشوب شد یا اتفاق دیگری رخ داد، یک فرد درون دستگاه انتظامی کشور شجاعت ورود و برخورد با مجرمان را نداشته باشد. این یک اصل بدیهی در همه‌جای دنیاست که نباید به‌گونه‌ای پلیس هتک حرمت و حیثیت شود که امکان ادامه فعالیت آن به‌عنوان قوه بازدارنده از وقوع جرم و جنایت سلب شود و البته هیچ‌گاه نباید این مساله عاملی برای سوءاستفاده یا کم‌توجهی و بی‌تدبیری شود. رمز رعایت قانون و عدول از آن در زمان مواجهه با متهمان و مجرمان برای قصه عدالت و تأمین امنیت و آرامش مردم انقدر باریک و پیچیده است که حتماً آموزش و توجیه نیروها و مدیران را به‌صورت پیوسته نیازمند است و باید به‌گونه‌ای رفتار شود که هم پلیس بتواند به وظیفه خود به‌صورت کامل و جامع عمل کند و هم حقوقی از متهمان و مجرمان سلب نشود. همچنین علاوه بر آموزش منظم و دقیق به نیروهای میدانی و مدیران مربوطه درخصوص رعایت قانون که وظیفه اصلی آنهاست و البته هوشیاری نسبت به کمین دشمن و تمرکز آنها بر وقایع اجتماعی در ایران، داشتن صداقت با مردم و عذرخواهی به‌اضافه برخورد با فرد خاطی درچنین مواردی که خواسته یا ناخواسته ممکن است حادث شود، راهکار دیگری است که می‌تواند هم مانع ناامیدی و ناراضیاتی شود و هم اعتماد عمومی را جلب کند.

فشارهای اقتصادی است. ناگفته نماند بایدن و دیگر دموکرات‌ها در گذشته سابقه طول و درازی برای استفاده از فرصت چالش‌های حقوق بشری علیه کشورهایی چون ایران دارند.

معارضان و جریان ضدانقلاب البته قبلاً نشان داده‌اند که علاقه زیادی به مانور روی آزادی‌های اجتماعی و حتی سوءاستفاده از اتفاقاتی مانند مواجهه پلیس و نیروهای انتظامی و قضایی با مجرمان دارند و تلاش می‌کنند علاوه بر ایجاد یک دوقطبی در کشور و گسترش ناراضیاتی‌های اجتماعی ایران را متهم به نقض حقوق بشر و سلب آزادی‌های اجتماعی کنند و درنهایت از همین بستر برای ناراضی کردن مردم در داخل و افزایش فشارهای بین‌المللی یا ایجاد تحریم‌ها استفاده کنند. از این رو نمی‌توان از کنار این اتفاقات به‌سادگی گذشت و جریان معارض را نادیده گرفت.

در چنین شرایطی نوع مواجهه ما با ماجرا بسیار حائز اهمیت است؛ اول از همه رفتار مسئولان زیر ذره‌بین خواهد بود و بعد از آن فعالان سیاسی-اجتماعی؛ مواجهه‌ای که اگر اشتباه باشد حتماً باعث خواهد شد این اتفاقات موثر واقع شده و بازویی برای تأثیر فشار حداکثری بر کشور باشد، چنانکه اکنون و با کنش‌های اجتماعی و اظهارنظرهای چند روز اخیر به‌نظر می‌رسد حداقل دو جریان بازیزگر چنین سناریوهایی شده‌اند.

## بازیگران سناریوی موازی فشار حداکثری چه کسانی هستند؟

**اول:** درجمع فعالان و برخی مسئولان امر، متأسفانه کسانی هستند که از اساس جنگ رسانه‌ای و استفاده از آن به‌عنوان تکیه‌ای از پازل حد فشار حداکثری را نادیده می‌گیرند؛ کسانی که گویی در جهان دیگری زیست می‌کنند و حتی پروژه دشمن برای سوءاستفاده از چنین اتفاقاتی را منتفی می‌دانند، این افراد مواجهه مشابهی با اتفاقاتی مانند وقایع دی ۹۶ و آبان ۹۸ داشتند و از قضا همین رفتارها را در آنجا نیز از خود نشان داده بودند. این افراد که منکر وقوع هرگونه اشتباه و خطایی در چنین مواردی هستند، اگر ضربه کاری‌تری نسبت به حامیان جریان معارض و فعالان سیاسی رادیکال به کشور وارد نکنند، عملکردشان تأثیر کم‌هزینه‌تری نخواهد داشت و حتماً به توسعه فشارها به سهیل الوصول‌ترین حالت کمک خواهد کرد.

**دوم:** گروه دیگر اما توجیه‌کنندگانی هستند که رفتارشان نه‌تنها کمکی به اصلاح وضع موجود و بهبود ضوابط اجرایی نمی‌کند که با انکار هرگونه اشتباه و کوچک شمردن خطای صورت گرفته حتی باعث عصبانی شدن بخشی از جامعه هم می‌شوند. اینکه بگوییم «فرد کشته‌شده در مشهد تنها یک متعاند خاطی بوده»

رفتار کرده؛ رفتاری که نهایتاً با رصد رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توان گفت بهانه‌ای برای فشار به کل سیستم و کشور شده است.

## قطعه‌ای از پازل فشار حداکثری

اگر در این روزها رسانه‌های معارض را دیده باشید حتماً فهمیده‌اید که درجریان اتفاقاتی که توصیف آنها در بالا ذکر شد، با چه حجم گسترده‌ای درحال تکمیل کردن پازل فشار حداکثری علیه ایران هستند؛ چه آنکه تلاش می‌کند با قلب واقعیت از اساس نیروی انتظامی و پلیس کشور را متهم جلوه دهد و چه آنکه این شرایط را فرصتی برای گسترش ناامیدی افزایش اعتراضات عمومی فرض کرده و مقصودش این است که این اتفاقات را به نقطه تقاطع تحریم، فشارهای اقتصادی و ناآرامی‌های قوه مجریه بدل کند.

با این توصیف‌ها می‌خواهیم بگوییم همه این اتفاقاتی که این روزها رخ داده درواقع دارای یک پیوست امنیتی سیاسی هم بوده که نه‌تنها پیش‌تر مورد توجه قرار نگرفته که اکنون نیز مورد توجه نیست و بسیاری به‌جای مواجهه دقیق و منطقی و تلاش برای پیشگیری از تکرار، به‌گونه‌ای رفتار کرده‌اند که نتیجه آن نه‌تنها گره‌گشایی نیست، بلکه چالش را عمیق‌تر کرده و خود بهانه‌ای برای تشدید فشارها به کشور شده است. حتماً می‌رسید چرا چنین استدلالی می‌کنیم؟ پاسخ را در ادامه توضیح خواهیم داد.

اگر قدری جامع‌تر به ماجرا نگاه کنیم، می‌بینیم که اکنون و دوسال و نیم بعد از آغاز کمین فشار حداکثری به ایران، امکان توسعه فشار برای آمریکا وجود ندارد و همان‌طور که فردی چون رابرت اوربراین مشاور امنیتی کاخ سفید می‌گوید تحریم‌ها به حدنهایی خود رسیده و افزایش آنها برای کاخ سفید امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این وقایع آینده هم تا حدود زیادی مشخص و واضح است؛ اینکه در انتخابات ایالات متحده هرکسی که پیروز باشد چه ترامپ چه بایدن، بعید است وضعیت با آنچه اکنون واقع‌شده تفاوت ویژه‌ای داشته باشد. تداوم حضور ترامپ در جایگاه ریاست جمهوری آمریکا معنای تداوم وضعیت فعلی را خواهد داشت و مشخصاً چالش ما با ایالات متحده درهمین اوج باقی خواهد ماند و اگر بایدن هم فرمان ریاست جمهوری ایالات متحده را به‌دست گیرد، بعید است به‌سادگی فرصتی را که ترامپ برای او پدید آورده، از دست بدهد. در این میان، آنچه مسلم است به سقف رسیدن فشارهاست، جایی که دیگر امکان گسترده شدن آنها وجود ندارد، لذا هرکسی که در کاخ سفید باشد تلاش خواهد کرد از ظرفیت‌های دیگر برای نتیجه گرفتن درباره ایران استفاده کند که طبیعتاً یکی از این فرصت‌ها تلاش برای توسعه ناامیدی و ناراضیاتی اجتماعی با استفاده از ابزارهای غیر از تحریم و

**فرهنگیستان:** امروز که این گزارش را ملاحظه می‌کنید فضای رسانه‌ای به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی تحت تأثیر چند اتفاق تأسف‌بار است؛ اتفاقاتی که یکی در آبادان رخ داده، یکی در مشهد و پیش‌تر از آن در تهران، همگی مربوط به نوع مواجهه نامناسب پلیس، نیروهای انتظامی و نیروی حراست با چند مجرم با متهم هستند.

اگر خاطراتمان باشد یکی، دوهفته پیش بود که چرخاندن چند سارق در خیابان‌های تهران حسایی حاشیه‌ساز شد، همان موقع خیلی‌ها اعتراض کردند که با کدام حکم قانونی و کدام محکومیت اثبات‌شده فرد بازداشتی را در خیابان‌ها می‌گردانید و حتی او را جلوی چشم مردم تحقیر می‌کنید و حتی بالاتر مگر با وجود اثبات جرم، چنین محکومیتی شامل حال این افراد می‌شود؟ نهایتاً در آن ماجرا کار به‌جایی کشید که رئیس قوه قضائیه هم ورود کرد و به‌نوع رفتار نیروی انتظامی معترض شد. بعداً ماجرای آبادان رخ داد؛ انتشار فیلمی که نشان می‌داد خانمی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و نیروی حراست یک مجموعه نیز به او بی‌احترامی می‌کند، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد و در فضای مجازی سروصدای زیادی به‌پا کرد. ساعتی بعد از انتشار مشخص شد که یک حادثه ناشی از یک درگیری شخصی و آن خانم هم خاطی بوده است اما افکار عمومی باز هم گفتند که این دلیلی برای برخورد آن گونه با وی نبوده است. در این ماجرا هم با حکم دادستانی نیروی حراست و به اضافه همه افراد حاضر در صحنه دستگیر شدند تا رسیدگی‌ها دقیق‌تر انجام شود. نهایتاً ماجرای در گذشت فردی در مشهد که فیلم دستگیری او منتشر شد و بعداً خبر آمد که در جریان بازداشت و انتقال به نیروی انتظامی جان باخته است، تلاطمی در رسانه‌ها پدید آورد و با سوءاستفاده گسترده رسانه‌های معارض کشور همراه شد. در جریان این ماجرا فردی که گفته می‌شود معتاد به مواد مخدر بوده و البته تصاویر دوربین‌ها هم از تعرض وی به یک مغازه و استفاده از الفاظ رکیک علیه مردم حمایت دارد توسط نیروی انتظامی دستگیر شده و سپس درحین انتقال به مقر پلیس جان می‌سپارد. تصاویر فیلمبرداری شده توسط مردم هم گویای خشونت پلیس است و حالا پرونده‌ای برای مأمور خاطی تشکیل شده تا ابعاد ماجرا به‌دقت روشن شود.

خبر دیگری هم که البته هنوز تأیید رسمی نشده مربوط به اتفاقی مشابه در اسفراین است و آن هم علی‌الحساب انزوی رسانه‌های معارض چون رادیو فردا و بی‌بی‌سی فارسی به وقایع قبلی اضافه و به اتهاماتی که علیه ایران ساخته‌اند، الصاق شده است.

چنانکه مشاهده کردید وجه مشترک همه این اتفاقات این است که پلیس بنابر تشخیص خود مبنی بر وقوع جرم و البته به درخواست مردم وارد عمل شده ولی متفاوت از شرایط معمول آنچه منطبق بر شرع، اخلاق و قانون است با خاطیان



BBC NEWS | فارسی



## گفت‌وگو

کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهنگیستان»:

## جنگ رسانه‌ای شدیدی در کنار فشار حداکثری اقتصادی علیه ایران در جریان است

دهد. امنیت از چه طریقی حاصل می‌شود؟ از طریق پلیس لذا اگر بتوانند پلیس را هتک اقتدار و هتک حرمت کنند، مساله امنیت هم که نقطه روشن حکومت است، مخدوش می‌شود و امنیت زیر سوال می‌رود. آن چیزی که در این حکومت به آن افتخار می‌کنیم به‌رغم همه فشارهای شدید اقتصادی امنیت است و دشمن دقیقاً این نقطه را مورد هدف قرار داده و درصدد است از طریق مخدوش کردن اقتدار پلیس این هدف را محقق کند؛ از این رو باید به‌شدت با این حرکت مقابله کرد. همه رسانه‌ها باید در این زمینه هم‌راستا شوند و آن رسانه‌هایی که با رسانه‌های خارجی در این زمینه به‌نوعی همکاری می‌کنند معاند هستند و نمی‌توان گفت این رسانه‌ها نمی‌فهمند چرا که قطعاً می‌دانند فضای سیاسی اجتماعی کشور به چه صورت است.



در این زمینه به‌معنای همکاری معاندانه با دشمن است.

**جدای از بحث رسانه‌ها، پلیس و نیروی انتظامی نیز مورد بحث است چرا که اتفاقات اخیر مردم را بسیار عصبی کرده و انتظار برخورد و رویکرد منطقی توسط نیروی انتظامی دارند.**

آنچه دشمن باز هم نتوانست اهداف خود را در آن پیش ببرد، مساله حفظ امنیت در کشور است؛ آنها فشارهای اقتصادی شدیدی وارد کردند اما نتوانستند به هدف خود برسند درحالی که هدف این بود مردم به خیابان‌ها بریزند و علیه حکومت اقدام کنند که این اتفاق با فهم بالای مردم ما رخ نداد. آن چیزی که اکنون نقطه قوت حکومت محسوب می‌شود، امنیت است و دشمن می‌خواهد این نقطه را مورد آسیب قرار

## رسانه‌ها امید مردم و اقتدار پلیس و نظام حاکمیتی را نشانه گرفته‌اند

این رسانه‌ها امید مردم و اقتدار پلیس و نظام حاکمیتی را نشانه گرفته‌اند و می‌خواهند در ذهن همه مردم تصویر یک حکومت خشونت‌بار، بی‌رحم و دیکتاتوری را در افکار عمومی به مرور زمان جا بیندازند.

وقتی یک فردی را دستگیر می‌کنند که در رشته ورزشی فعال بوده یا کار هنری انجام می‌داده است اما به اتهام دیگری دستگیر شده است، چنان درباره آن فرد بزرگ‌نمایی می‌کنند که جو جامعه ملتهب شود، درحالی که ورزشکاران و هنرمندان در برابر قانون مانند مردم عادی هستند و مصونیت خاصی ندارند.

## بی‌توجهی و بزرگ‌نمایی وقایع اجتماعی به‌معنای همکاری معاندانه با دشمن است

بنابراین بزرگ‌نمایی‌های اینچنینی با برنامه و طرح است و رسانه‌های داخلی وابسته به هر جریان سیاسی و جناحی باید به این نکته توجه داشته باشند، چرا که بی‌توجهی

این رسانه‌ها مأموریت دارند چنین وقایعی را در ایران در بین افکار عمومی و فضای جامعه بزرگ‌نمایی کنند، در یک کشور بزرگی همانند ایران با ۸۰ میلیون جمعیت اینکه اتفاقی در یک کلانشهر رخ دهد، با فرض اینکه پلیس رفتار نسبتاً ناهنجاری داشته است، امری طبیعی است.

در کشورهای دیگر به‌مراتب اتفاقات وحشتناک‌تر رخ می‌دهد، حتی در کشورهای اروپایی شاهد این مساله هستیم که توسط پلیس آن کشور اتفاقاتی رقم می‌خورد ولی هیچ‌یک از آنها رسانه‌ای نمی‌شود.

## جنگ رسانه‌ای شدیدی علیه ایران در جریان است

ما در کشورمان با یک جنگ رسانه‌ای شدیدی مواجه هستیم که بخشی از آن توسط رسانه‌های غربی و برخی توسط تشکیلات سازمان منافقین و رژیم صهیونیستی انجام می‌شود.

برخی از شبکه‌های وابسته به سعودی مأموریت دارند وقایع اجتماعی را به‌شدت بزرگ‌نمایی و مردم ایران را ناامید و خسته کنند.

ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهنگیستان» ضمن بررسی بازتاب‌های سیاسی وقایع اجتماعی اخیر در آبادان و مشهد به تحلیل جایگاه راهبردی و امنیت‌محور نیروی انتظامی و نقش رسانه‌ها در میانه یک جنگ روانی علیه کشورمان در سطح بین‌الملل پرداخت که در ادامه می‌آید.

۱۱۱

**با توجه به اتفاقاتی که این روزها در آبادان و مشهد رخ داده است، ارزیابی شما از فشار حداکثری دشمن در کنار فشار اقتصادی و توجیه این مساله در بعد داخلی و در عین حال نقش نیروی انتظامی در آرامش بخشی به جامعه چیست؟**

درخصوص اتفاق آبادان و آن خانم آبادانی توضیحات کافی توسط پلیس مربوطه داده شد و موضوع آن‌طور که در فضای مجازی منتشر شد، نبود. متأسفانه برخی افراد این موضوع که ما تحت فشار جنگ تبلیغاتی شدید از سوی رسانه‌های خارجی هستیم را نمی‌پذیرند یا به‌نظر من یک نوعی کج فهمی دارند.

## خبر

## نتیجه این مذاکره از قبل مشخص شده!

سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روز گذشته و در نشست ویدئوکنفرانسی کمیته پدافند غیرعامل وزارت کشور گفت: «هدف دشمن این است که ملت ایران را هب‌بردها و سیاست‌های تحمیلی آمریکا را بپذیرد، آنها می‌خواهند ایران را پای میز مذاکره بکشانند و نتیجه این مذاکره از قبل مشخص شده و آن تسلیم ایران در مقابل آمریکاست که این موضوع هیچ‌گاه با اهداف نظام مقدس ما انطباق ندارد.» به گزارش تسنیم، وی افزود: «بسیاری از گرفتاری‌های ما به‌خاطر نفوذ دشمن از طریق تجهیزات و امکاناتی است که از خارج خریداری می‌کنیم و این در عرصه دفاع توسعه‌ی بیشتری دارد؛ معلوم است دشمن سال‌هاست خیمه مفصلی را برقرار کرده که ما چه قطعه‌ای از خارج از کشور تهیه می‌کنیم تا بتواند آن را عاملی برای جمع‌آوری اطلاعات و یا تخریب و یا تغییر در کارکرد آن کند.»

## بایدن بخواهد هم نمی‌تواند تحریم‌ها را لغو کند

الیوت آبرمز، نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران به پایگاه خبری نشنال گفت: «اگر جو بایدن هم در انتخابات سوم نوامبر پیروز شود، لغو تحریم‌ها علیه ایران برای دولت وی آسان و سریع نخواهد بود. تحریم‌های آمریکا علیه ایران به‌ویژه آن تحریم‌هایی که خارج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) وضع شده است به این زودی‌ها لغو نخواهد شد. آنهایی که معتقدند وقتی رئیس‌جمهور بایدن در ماه ژانویه قدرت را در دست بگیرد تا روز سوم همه تحریم‌ها از بین خواهد رفت، خواهند فهمید که حتی اگر بخواهند هم نمی‌توانند این کار را بکنند.» وی درباره این مساله که روسیه می‌تواند به ایران سلاح و سامانه اس-۴۰۰ بفروشد نیز مدعی شد که این کار از نظر مسائل مالی غیرممکن است. تحریم‌های ما توان آنها را کاهش داده است.

## دستگیری ۱۹ وکیل مدعی وکالت تضمینی

رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه خبر داد، ۱۹ وکیل که ۱۳ نفر از آنها در تهران مشغول فعالیت واسطه‌گری برای اعمال نفوذ در پرونده‌ها و انحراف در روند دادرسی بودند، دستگیر شده‌اند. به گزارش ایسنا؛ علی عبداللهی، رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه در جریان جلسه روز گذشته شورای عالی قوه قضائیه از برخورد با ۳۰ تن از کارکنان بخش‌های قضایی در استان تهران در موضوع رشوه و دخالت در پرونده‌ها خبر داد و افزود: «در پی تأکید ریاست قوه قضائیه مبنی بر برخورد با وکالت تضمینی، ۱۹ وکیل که ۱۳ نفر از آنها در تهران مشغول فعالیت واسطه‌گری برای اعمال نفوذ در پرونده‌ها و انحراف در روند دادرسی بودند، دستگیر شده‌اند، این افراد اقدام به پرداخت رشوه و اعمال نفوذ برای تغییر برخی آرای پرونده‌ها کرده بودند.»